جنگ نیابتی «ناتو» در سیستان و بلوچستان

به گزارش توسن، در ابتدای جنگ سرد و زمانی که رهبران از تهاجم اتحاد جماهیر شوروی به اروپای غربی واهمه داشتند، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را تأسیس کردند. این سازمان تحت سلطه آمریکا مأموریتی دفاعی برای خود تعریف کرده بود – دفاع از اعضا در مقابل حملات کشورهای دیگر. این حمله هیچگاه روی نداد. مشخص نیست که آیا وجود این سازمان عاملی بازدارنده بود یا اینکه شوروی اصلا نیتی برای انجام این کار نداشت. شاید هیچگاه جواب این پرسش را ندانیم.

*سازمان ناتو بزرگترین و مجهزترین نیروی نظامی جهان را تشکیل می دهد

جنگ سرد پایان یافته و تهدید بلوک شرق نیز دیگر وجود ندارد. با این حال این سازمان به حیات خود ادامه می‌دهد و با ارائه بازتعریفی از خود به مثابه حافظ نظم نوین کنونی، ظاهرا مأموریت خود را تا ابد تمدید نموده است. این اتحاد نظامی که بزرگترین قدرت نظامی جهان را در اختیار دارد. هم‌اکنون سازمان ناتو با برخورداری از ۲۶ عضو در اروپا و آمریکای شمالی بزرگترین نیروی نظامی جهان را تشکیل داده است. برخلاف هدف اولیه این اتحاد نظامی، جهان پس از پایان جنگ سرد بود که اعمال قدرت آن را به عینه مشاهده نمود. ابتدا در یوگوسلاوی و سپس در پاکستان، افغانستان و لیبی جنگ‌های ناتو یکی پس از دیگری آغاز گشتند. در گزارش حاضر سعی می‌گردد تا پرده از جنایت‌های ناتو، بزرگترین گروه تروریستی جهان، برداشته شود.

تاریخچه مختصر

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو (North Atlantic Treaty Organization) در ۴ آوریل ۱۹۴۹ میلادی با هدف دفاع جمعی پایه‌گذاری شد و هم‌اکنون ۲۸ عضو دارد. قلب پیمان ناتو ماده پنج آن است که در آن کشورهای امضا کننده توافق کرده‌اند حمله نظامی علیه یک یا چند کشور عضو در اروپا یا آمریکای شمالی را به عنوان حمله به تمامی کشورهای عضو تلقی کرده و به مقابله با آن برخیزند.

از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ میلادی، ده کشور کمونیستی سابق به عضویت ناتو در آمدند و شمار اعضای ناتو به بیست و شش کشور افزایش یافت. در سال ۲۰۰۸ تلاش‌هایی برای گسترش ناتو به حوزه بالتیک و پیشروی مرزهای ناتو به نزدیکی مرزهای روسیه انجام گرفت که در این بین با شروع مذاکرات برای عضویت سه کشور آلبانی، کرواسی و مقدونیه در ناتو موافقت شد ولی دایانا مخالفت‌هایی با عضویت گرجستان و اوکراین که همورز با روسیه می‌باشند صورت گرفت در نهایت پس از شروع جنگ اوستیای جنوبی ۲۰۰۸ حمایت‌ها برای عضویت گرجستان افزایش یافت. در پی تصمیم کشورهای ناتو برای استقرار موشک‌های بالستیک در لهستان روابط این سازمان با روسیه به شدت تضعیف گشت. در ابتدای جنگ سرد و زمانی که رهبران از تهاجم اتحاد جماهیر شوروی به اروپای غربی واهمه داشتند، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را تأسیس کردند. این سازمان تحت سلطه آمریکا مأموریتی دفاعی برای خود تعریف کرده بود – دفاع از اعضا در مقابل حملات کشورهای دیگر. این حمله هیچگاه روی نداد. مشخص نیست که آیا وجود این سازمان عاملی بازدارنده بود یا اینکه شوروی اصلا نیتی برای انجام این کار نداشت. شاید هیچگاه جواب این پرسش را ندانیم.

*سازمان ناتو بزرگترین و مجهزترین نیروی نظامی جهان را تشکیل می دهد

جنگ سرد پایان یافته و تهدید بلوک شرق نیز دیگر وجود ندارد. با این حال این سازمان به حیات خود ادامه می‌دهد و با ارائه بازتعریفی از خود به مثابه حافظ نظم نوین کنونی، ظاهرا مأموریت خود را تا ابد تمدید نموده است. این اتحاد نظامی که بزرگترین قدرت نظامی جهان را در اختیار دارد. هم‌اکنون سازمان ناتو با برخورداری از ۲۶ عضو در اروپا و آمریکای شمالی بزرگترین نیروی نظامی جهان را تشکیل داده است. برخلاف هدف اولیه این اتحاد نظامی، جهان پس از پایان جنگ سرد بود که اعمال قدرت آن را به عینه مشاهده نمود. ابتدا در یوگوسلاوی و سپس در پاکستان، افغانستان و لیبی جنگ‌های ناتو یکی پس از دیگری آغاز گشتند. در گزارش حاضر سعی می‌گردد تا پرده از جنایت‌های ناتو، بزرگترین گروه تروریستی جهان، برداشته شود.

تاریخچه مختصر

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو (North Atlantic Treaty Organization) در ۴ آوریل ۱۹۴۹ میلادی با هدف دفاع جمعی پایه‌گذاری شد و هم‌اکنون ۲۸ عضو دارد. قلب پیمان ناتو ماده پنج آن است که در آن کشورهای امضا کننده توافق کرده‌اند حمله نظامی علیه یک یا چند کشور عضو در اروپا یا آمریکای شمالی را به عنوان حمله به تمامی کشورهای عضو تلقی کرده و به مقابله با آن برخیزند.

از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ میلادی، ده کشور کمونیستی سابق به عضویت ناتو در آمدند و شمار اعضای ناتو به بیست و شش کشور افزایش یافت. در سال ۲۰۰۸ تلاش‌هایی برای گسترش ناتو به حوزه بالتیک و پیشروی مرزهای ناتو به نزدیکی مرزهای روسیه انجام گرفت که در این بین با شروع مذاکرات برای عضویت سه کشور آلبانی، کرواسی و مقدونیه در ناتو موافقت شد ولی دایانا مخالفت‌هایی با عضویت گرجستان و اوکراین که همورز با روسیه می‌باشند صورت گرفت در نهایت پس از شروع جنگ اوستیای جنوبی ۲۰۰۸ حمایت‌ها برای عضویت گرجستان افزایش یافت. در پی تصمیم کشورهای ناتو برای استقرار موشک‌های بالستیک در لهستان روابط این سازمان با روسیه به شدت تضعیف گشت. در ابتدای جنگ سرد و زمانی که رهبران از تهاجم اتحاد جماهیر شوروی به اروپای غربی واهمه داشتند، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را تأسیس کردند. این سازمان تحت سلطه آمریکا مأموریتی دفاعی برای خود تعریف کرده بود – دفاع از اعضا در مقابل حملات کشورهای دیگر. این حمله هیچگاه روی نداد. مشخص نیست که آیا وجود این سازمان عاملی بازدارنده بود یا اینکه شوروی اصلا نیتی برای انجام این کار نداشت. شاید هیچگاه جواب این پرسش را ندانیم.

*سازمان ناتو بزرگترین و مجهزترین نیروی نظامی جهان را تشکیل می دهد

جنگ سرد پایان یافته و تهدید بلوک شرق نیز دیگر وجود ندارد. با این حال این سازمان به حیات خود ادامه می‌دهد و با ارائه بازتعریفی از خود به مثابه حافظ نظم نوین کنونی، ظاهرا مأموریت خود را تا ابد تمدید نموده است. این اتحاد نظامی که بزرگترین قدرت نظامی جهان را در اختیار دارد. هم‌اکنون سازمان ناتو با برخورداری از ۲۶ عضو در اروپا و آمریکای شمالی بزرگترین نیروی نظامی جهان را تشکیل داده است. برخلاف هدف اولیه این اتحاد نظامی، جهان پس از پایان جنگ سرد بود که اعمال قدرت آن را به عینه مشاهده نمود. ابتدا در یوگوسلاوی و سپس در پاکستان، افغانستان و لیبی جنگ‌های ناتو یکی پس از دیگری آغاز گشتند. در گزارش حاضر سعی می‌گردد تا پرده از جنایت‌های ناتو، بزرگترین گروه تروریستی جهان، برداشته شود.

تاریخچه مختصر

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو (North Atlantic Treaty Organization) در ۴ آوریل ۱۹۴۹ میلادی با هدف دفاع جمعی پایه‌گذاری شد و هم‌اکنون ۲۸ عضو دارد. قلب پیمان ناتو ماده پنج آن است که در آن کشورهای امضا کننده توافق کرده‌اند حمله نظامی علیه یک یا چند کشور عضو در اروپا یا آمریکای شمالی را به عنوان حمله به تمامی کشورهای عضو تلقی کرده و به مقابله با آن برخیزند.

از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ میلادی، ده کشور کمونیستی سابق به عضویت ناتو در آمدند و شمار اعضای ناتو به بیست و شش کشور افزایش یافت. در سال ۲۰۰۸ تلاش‌هایی برای گسترش ناتو به حوزه بالتیک و پیشروی مرزهای ناتو به نزدیکی مرزهای روسیه انجام گرفت که در این بین با شروع مذاکرات برای عضویت سه کشور آلبانی، کرواسی و مقدونیه در ناتو موافقت شد ولی دایانا مخالفت‌هایی با عضویت گرجستان و اوکراین که همورز با روسیه می‌باشند صورت گرفت در نهایت پس از شروع جنگ اوستیای جنوبی ۲۰۰۸ حمایت‌ها برای عضویت گرجستان افزایش یافت. در پی تصمیم کشورهای ناتو برای استقرار موشک‌های بالستیک در لهستان روابط این سازمان با روسیه به شدت تضعیف گشت.

حملات ناتو و هیمپیمانان آمریکا شده‌اند. آمار شمار قربانیان غیر نظامی افغان بین سال های ۲۰۰۱ میلادی تا ۲۰۰۳ میلادی را رقمی معدل ۶۰۰۶ الی ۶۰۰۷۳ نفر برآورد کرده‌اند. در سال ۲۰۰۶ میلادی ناظر حقوق بشر کشته شدن ۴۰۰۴ غیر نظامی را در پی حملات نیروهای آمریکایی و ناتو به شبه نظامیان طالبان اعلام کرد. جرگزاری آموشیدپرس نیز در همین سال به نقل از مقامات دولت افغانستان و سازمان ناتو این تعداد را چهار هزار غیرنظامی اعلام کرد. در سال ۲۰۰۷ میلادی ناظر حقوق بشر شمار کشته شدگان غیر نظامی در افغانستان که بطور مستقیم توسط سربازان ناتو و آمریکایی کشته شدند، ۴۳۴ نفر اعلام کرد که ۳۲۱ نفر از این افراد در حملات هوایی جان باخته اند. در همین حال دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد در افغانستان شمار کشته شدگان را ۷۰۰ نفر اعلام کرد. در حالی که یک گفته استاد دانشگاه نیو همپشایر شمار کشته شدگان غیر نظامی افغان در این سال ۷۰۰۵ تا ۵۰۰۶ نفر، بوده است. در همین حال در ۲۷ تیر ماه سال گذشته، سازمان ملل متحد، در گزارشی از افزایش ۱۵ درصدی شمار تلفات غیرنظامیان در افغانستان در شش ماهه نخست سال ۲۰۱۱ میلادی نسبت به مدت مشابه در سال قبل از آن خبر داد. «استفان دی میستورا» نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در افغانستان، با ارائه گزارشی در کابل، گفت که در شش ماه نخست سال جاری ۴۶۲/۱ غیر نظامی افغان در اثر انفجار، تیراندازی و حملات هوایی جان خود را از دست داده‌اند. البته شایان سال قبل در ظاهر پایان ماموریت خود را در افغانستان اعلام کرد. قرار است نیروهای نظامی ناتو به شکلی دیگر در افغانستان فعالیت خود را ادامه دهند. بنا آغاز سال جدید ماموریت «Resolute Support»(حمایت قاطع) جای ماموریت جنگی نیروهای ناتو را در این کشور می‌گیرد. هدف از ماموریت جدید پشتیبانی از نیروهای امنیتی افغانستان با بدون آموزش و مشاوره به آنهاست. در ماموریت یاد شده حدود ۱۲ هزار و پانصد سرباز از ۴۰ کشور شرکت خواهند داشت. از آلمان نیز ۸۵۰ سرباز در این ماموریت شرکت دارند. قرار است ماموریت نظامی جدید در افغانستان دو سال طول بکشد. سربازان آلمانی در مازارشریف واقع در شمال افغانستان خواهند بود. آنها مجازند در صورت لزوم با اسلحه از خود دفاع کنند.

*اعترافات عبدالمالک درباره ارتباط با ناتو

عبدالمالک ریگی در گفتگو با پرس تی وی اعتراف کرد که مقام‌های ناتو از وی خواسته اند تا فعالیت‌های تروریستی خود را از مرزها فراتر برده و به داخل ایران و از جمله داخل شهر تهران تسری دهد.

وی اعتراف کرد که با مقام‌هایی از ناتو دیدار کرده است. ریگی همچنین اذعان می کند که این مقام‌ها با آمریکایی و یا از اسرائیل بوده اند. وی گفت که مقام‌های ناتو پس از دادن اسامی و آدرس افراد خواستار ترور وی می‌شدند.

ریگی می‌گوید: ما در کازابلانکا در مراکش با افرادی که خود را نماینده‌گان ناتو معرفی می‌کردند دیدار کردیم. بعد از ملاقات وقتی قضایا را جمع‌بندی کردیم دو شبهه در ذهن ما ایجاد شد. یکی این که اگر این افراد عضو ناتو هستند چرا در افغانستان با ما ملاقات نکردند، در حالی که با دیگران پایگاه دارند و خیلی راحت‌تر و با ضریب امنیتی بالاتری می‌توانند با ما ملاقات کنند.

وی افزود: شبهه دومی که برای ما ایجاد شد این بود که بار اولی که به ما اطلاع داده شد، نیروهای ناتو قصد ملاکرده با ما را دارند گمان کردیم که آنها می‌خواهند درباره شرق ایران با ما گفتگو کنند چون نیروهای ناتو در افغانستان مستقر هستند و ممکن است در رابطه با موضوع شرق کشور نظرهایی داشته باشند. اما همه اصرار ملاکرده کنندگان بر این بود که چندلانه عملیات را از منطقه مرزی و بلوچستان به پایتخت کشور یعنی تهران منتقل کند. این نکته برای ما جای سوال داشت و ما را به این جمع‌بندی رساند که آنها آمریکایی و یا اسرائیلی هستند که در پوشش ناتو با ما مذاکره می‌کنند یا این که این افراد از نیروهای ناتو هستند ولی برای امریکا و اسرائیل کار می کنند. در هر دو صورت مابه این نتیجه رسیدیم که این افراد یا جا هایی غیر از ناتو هم ارتباط دارند.

عبدالمالک ریگی در ادامه می‌گوید: مذاکره کنندگان می‌گفتند که اسم گروهی از افراد، آدرس خانه‌های آنها و عکسهایشان را به شما می دهیم و حتی ابزار عملیاتی از جمله مواد منفجره و دیگر تجهیزاتی را که از آن در عملیات تروریستی استفاده می‌شود، در همان شهرهای محل عملیات در اختیار شما قرار می دهیم. شما فقط عملیات را اجرا کنید و درقبال انجام این عملیات ما جدا از پولی که برای دیگر همکاری‌ها به شما می دهیم، مبلغ هنگفت و بزرگی به شما پرداخت خواهیم کرد. آنها گفتند برای هر هدف مبلغی خاص تعیین شده و پس از انجام کار این پول به شما پرداخت خواهد شد.

این تروریست افزود: در مجموع، طرفین به این نتیجه و اتفاق نظر رسیدم که عملیات به مرکز انتقال پیدا کند. همچنین باید در رسانه‌ها فعالیت گسترده‌ای داشته باشیم و سوم هم این که اهداف و آدم‌های خاصی باید هدف قرار گیرند. این سه نکته را آنها مشخص کردند و از طرف ما نیز تایید شد و از آنها خواستیم تجهیزات را در اختیارمان قرار دهند تا خود آماده کنیم. من از هر طرف به موضوع نگاه می کنم شکی ندارم که فعالیت‌های ما نتیجه جهل و سطحی‌نگری بوده! از جمله دربواره ارتباط‌هایی که با برخی از کشورها داشتیم و حتی کارهایی که انجام دادیم میانی همه نوعی جهل توام با نفرت بود و هنگامی که نفرت پیش می‌آید خود به حد عقل و خرد از کار می‌افتد.

*کشف صدها اسلحه «ناتو» از قاچاقچیان مواد مخدر در شرق کشور

سردار مؤیدی با بیان اینکه قاچاقچیان مواد مخدر امروز اقدام به قاچاق اسلحه نیز می‌کنند، از کشف بیش از ۱۴۰۰ قبضه اسلاح در سال ۹۳ خبر داد و گفت: عمده سلاح‌های کشف‌شده از قاچاقچیان مواد مخدر از جمله سلاح‌های ناتو است.

سردار علی مؤیدی در گفت‌وگو با خبرنگار تسنیم با اشاره به گستردگی جرائم قاچاقچیان مواد مخدر و گرخودرود قاچاق مواد مخدر با سایر جرائم اظهار داشت: درحال حمل مواد مخدر در شرق کشور و قاچاق این مواد از مرزهای شرقی، صرفاً با حمل این مواد همراه نیست و ما با مجموعه‌ای از جرائم روبه‌رو هستیم.

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر با بیان اینکه قاچاقچیان مواد مخدر کنار قاچاق این مواد، مرتکب بسیاری از جرائم دیگر نیز می‌شوند، گفت: تجارب ما نشان می‌دهد که این قاچاقچیان مسلح عمدتاً کنار قاچاق مواد مخدر، دست به قاچاق اسلحه و مهمات نیز می‌زنند.

وی در خصوص آمار دست آمده از اسلحه و مهمات مکشوفه در سال گذشته توسط مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر، اظهار داشت: در سال ۹۳ مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی موفق شدند در درگیری با قاچاقچیان، بیش از ۱۴۰۰ قبضه اسلحه و مهمات را از آن‌ها کشف و ضبط کنند.

مؤیدی خطاب به برخی از مدعیان حقوق بشر که برخورد جمهوری اسلامی ایران با قاچاقچیان مسلح مواد مخدر را از افیون قبضی حقوق بشری می‌کنند، گفت: کشورها و افرادی که دم از حقوق بشر می‌زنند و ما را به‌مظلوم برخورد با قاچاقچیان مسلح مواد مخدر محکوم می‌کنند، باید به این سؤال پاسخ دهند که آیا این فجایع در کشور خودشان هم اتفاق می‌افتاد؛ همین موضع‌گیری را داشتند؟

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی در پایان خاطرنشان کرد: عمده سلاح‌های کشف شده از قاچاقچیان مواد مخدر از جمله سلاح‌های کشورهای اروپایی و ناتو است که امروز شاهدیم در اختیار قاچاقچیان مواد مخدر شرق کشور قرار دارد.

*شکست جنگ نیابتی «ناتو» در سیستان و بلوچستان

مجموع اعترافات عبدالمالک و دیگر اطلاعات بدست آمده از گروهک های تروریستی و جنگ نیابتی سنی دهه که ناتو در سیستان و بلوچستان عملا یک جنگ نیابتی راه انداخته است. این گروه ها در سال های اخیر مهمترین کارکرد آنها تولید ناامنی با اهداف متعدد امنیتی، سیاسی و اجتماعی در محیط جنوب شرق بوده است. یک ارزیابی مهم اطلاعاتی معتقد است که نیروهای ناتو در آستانه اتمام ماموریت خود در افغانستان- و محدودد شدن به لحاظ نیروی انسانی- راهبرد اصلی خود را تقویت گروه های تروریستی مخالف ایران و تجهیز تسلیحاتی این گروه ها قرار دادند. با این وجود جنگ نیابتی ناتو در سیستان و بلوچستان با هوشیاری دستگاه های امنیتی و نظامی همانند دیگر جبهه های درگیری ایران با آمریکایی ها با شکست روبه رو شده است. مهمترین این دلیل این شکست همان است که کار ناتو به جایی رسیده که اسلحه های سازمانی آنها میان اشرار مواد مخدر توزیع شده است!

... فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان خطاب به مردم و شهروندان به فارس گفته است: مردم بدانند که اگر اثرات شوم ماموران انتظامی در این زمینه تخلفی انجام داده‌اند بدون هیچگونه اغماضی با آنها برخورد می‌شود و ما اجازه نمی‌دهیم به افراد حتی متخلفان نیز ضربه‌ای وارد شود.

*تیری که به سنگ خورد!

اگر چه رسانه های زنجیره ای معاند تمرکز خود را برای برهم زدن امنیت و اختلاف افکنی در سیستان و بلوچستان داشته اند اما غائله ایرانشهر باعث شد زیرو‌تازهای گسترده ای از سوی آنها در این خصوص تهیه و گزارش شود . با این وجود دوبحه ولیه، رادیو فردا ، بی بی سی سه استاد به گزارش یکی از رسانه های ضدانقلاب سر دراقلیای تیراندازی از سوی ماموربین به خودروی حامل مواد سوختی قاچاق را داشتند که در همین راستا اتاق خبر شبکه من و تو به صورت ویژه به این گزارش پرداخت اما پس از اثبات نتایج بررسی ها مشخص شد تیر آنها در این پروژه به سنگ خورده است و سکوت خبری را پیشه کردند. .تردیدی نیست که مردم آگاه و هوشمند ایران اسلامی بویژه استان سیستان و بلوچستان مخصوصا بلوچ هایی که کمر به حفظ صلابت ایران بسته اند چندان به تبلیغات و دروغ پراکنی رسانه های معاند وقعی نمی نهند.

*تدبیر سبزپوشان چگونه غائله ایرانشهر را خواباند؟

اما در حالی که برخی رسانه‌ها از عدم حضور به موقع مسئولین سیاسی و دولتی در غائله ایرانشهر خبر می دهند؛ یک سوال اساسی مطرح می شود که این حادثه چگونه ختم شد؟ براساس گزارش خبرنگار هفته نامه «توسن» به نقل از مقامات محلی در غائله ایرانشهر، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده است. سپاه که در سال‌های اخیر ارمیزد اصلی امنیتی خود را بر پایه و تکیه بر مردم شکل داده؛ در حادثه ایرانشهر به خوبی این غائله را مدیریت کرد. بلافاصله پس از بوجود آمدن این حادثه، سپاه با استفاده از ظرفیت مردمی خود و همکاری موثر و به موقع معتمدین، سران طوایف و عاملی‌های اهل سنت با تشکیل یک جلسه کاملا مردمی در یکی از مساجد منطقه از طریق گفتگو و ارائه توضیحات و ابهام زدایی از حادثه و دادن اطمینان از پیگیری دقیق ماجرا، غائله ایرانشهر را ختم می کند. حادثه ایرانشهر نشان داد که سپاه در استفاده از توان مردمی و به خصوص استفاده از ظرفیت سران طوایف و علمای اهل سنت در حوزه امنیت مهارت‌های قابل توجهی کسب کرده است.

*واقعه ایرانشهر، تاکیدی بر نقش سپاه در امنیت سیستان و بلوچستان بود

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی گفت: واقعه «محمدان» ایرانشهر و اقدام به موقع بر علیه مصلان امنیت، تاکیدی دوباره بر ضرورت حضور سپاه در ایجاد امنیت سیستان و بلوچستان بود.

سیدباقر حسینی در گفتگو با جبرنگار مهر در پاسخ به سوال مبنی بر حضور سال اخیر به خوبی در ایجاد امنیت در لایه های مختلف امنیتی سراسر عالم و در طول تاریخ است؛ همچنان که بعثت، پرچمداری و برافراشته شدن پرچم عدل است؛ یعنی در میان مؤمنین، بندگان خدا و آحاد بشر، اسباب زندگیشان افتادند و شروع کردند زیر گنبد مردمشان خواندن که مصرف بی رویه کار خیلی ناپسندیست. و اگر نبود نقت ایران شاید ماجرای اسرائیل هم هماانجا تمام میشد

اینها یعنی بزرگترین قیامهای ملیقرن اخیر منطقه به هیچ نحوی ترسید چون ملی گرای ایرانی و عرب هیچ وقت آیتمان با هم توی یک جو نرفته.و اصلا مگر میشود ملی گرای ایرانی باشی و کینه ی این اعراب سوسمارخوارک و روزگاری تاج کیانیت را غصب کرده البته دلت نباشد ؟ و مگر میشود ملی گرای عرب باشی و سنگ موالی عجم به سینه بزنی؟ و مگر نه اینکه امروز هم بزرگترین نماد ملیت ایرانی و عرب همان دعوای مشهور است سر پسوند اسم خلیج مشترکشان که چند سالی یک بار نشتال جغرافی صدایش را در می آورد و سالی یک بار ناگهانی لیگهای فوتبال و هفته ی یک بار هم گوگل و نظرسنجی هایش ؟

اما اصولا این ملی گرایی که این همه سال این همه ماجرا درست کرده برایمان یعنی چه؟ اعتقاد به برتری یک ملت؟ تلاش برای برتری یک ملت؟ امید به برتری یک ملت؟ اصلا ملت یعنی چه؟ مردمی که توی یک مرز به دنیا آمده اند؟ مردمی که به یک زبان حرف میزنند؟ مردمی که آداب و رسومشان یکیست؟

و اصلا این مفهوم ملت را کی اختراع کرد؟ اگر در روزگار کوروش کبیر درست بعد از فتح بابل در مرزهای غربی ایران آن روز، سری به روستایی در شرق قلمروی خامنشی میزدید احتمالا هیچ نشانی از عرب ملتی نداشی از یک فتح بزرگ پیش میرفتم عادی نبودید.احتمالا هیچ جشن و پایکوبی برقرار نبود؛هیچ آواز مهیش پرستانه ای زمزمه نمیشد؛هیچ کس به احترام هیچ سرود ملی ای از جا بلند نمیشد و هیچ پرچمی سر در هیچ جای خاصی نبود. این یعنی آن موقع اصلا مفهومی به نام ملت وجود نداشت.قلمروی حکومت ما مشکل از سلسله قبایلی بود که هر کدام بزرگی داشت و بزرگ قبیله که یک بزرگ تر بود بر دیگر بزرگان حکم میراند بعد که شاه شاهان. و تنها کسانی که ممکن بودحاساست ملی گرایانه داشته باشند هم همین بزرگان و متمولین و فئودالهایی بودند که مناافعشان با مناقع حکومت مرکزی گره خورده بود؛مماانطور که مهمترین و شاید تنها نشانه های احساسات وطن پرستانه در ادبیات غیر معاصر را در اشعار فردوسی میتوان پیدا کرد که همه میدانیم چند اندر جداز ملاکان و ثروتمندان خراسان به حساب می آمده اند و درنتیجه احساس قرابت زیادی به حکومتهای ما قبل اسلامی داشته اند. شاید یکی از دلایل عبر ستیزی مشهور فردوسی هم به ارث بردن همین احساسات اجدادی باشد؛گذشته از اینهاآدم های عادی هیچ حس تعلقی به گروهی متشکل از همه ی افرادی که در قلمروی یک حکومت زندگی میکردند نداشتند. یک کشاورز معمولی خودش را میشناخت و خانواده اش و چند نسل از اسلاف و اخلافش و همسایه ها و هم دهاتیهایش و خیلی دست بالایش میشد کدخدایی،بزرگی قبیله ای،ریش سفیدی و الی آخر. تمام هویت جمعی اش در همین خلاصه میشد و نیازی به بیش از اینهم نبود.این که چه کسانی تحت سیطره ی کدام حکومت و درون کدام قلمرو زندگی میکنند چیزی بود مربوط به حاکمان نه رعایا.

ملی گرایی که همان nationalism فرنگی ها باشد و ملت که میشود همان nation ، مفاهیمی صد در صد تازه و صد در صد وارداتی است. در دوران ماقبل مدرن که قدرت مطلق حکومت در دست یک نفر بود و آن یک نفر هم به فراخور میزان برندگی شمشیرش تا میتوانست به قلمروی تحت امرش اضافه میکرد و همین طوری هم قلمروش را مقابل شمشیر دیگران محافظت میکرد، تنها مفهومی که مردم تحت حکومتش دارد این بود که رعیت بودند و شتراک در انقیاد به همان شمشیر بود و نه هیچ چیز دیگر. اما بعدها دوره ای آمد که ادعای دانشمندان و روشنفکرانش دوران حکومت مردم بر مردم بود و قرار شد که از آن به بعد حاکمان مشروعیتشان را از نظر مردمشان بگیرند نه برق شمشیرشان. و داستان ما از همینجا شروع میشود.حالا که قرار بود شاه و رعیت به هم نزدیک شوند باید ریطی به غیر از ظالم و مظلوم بودن سابق بین حاکم و مردم و نقطه ی اشتراکی برای تاریخ زود حاکمان بشوند پس مردم یک سرزمین ایجاد میشد. حالا که قرار بود آدم های یک قلمرو زندگی نه به زور تازیانه ی حکام و برای پر کردن خزانه ی آنها که این بار دواطبالیه و به میل خودشان خودشان کار کنند و مالیات بدهند و قانونمند باشند و مقابل تهاجم خارجی بایستند و مشارکت سیاسی داشته باشند و... باید قوه ی محرکه ای جایگزین شمشیر حاکمان میشد و این رابطه و اشتراک و قوه ی محرکه ی جدید همان ایده ی ملت و دولتهای ملی بود.

پس مهمترین عاملی که باعث میشود یک گروه خاص از آدمها خودشان را یک ملت بدانند و هویت مشترک و منافع مشترک و گذشته و آینده ی مشترک و مسئولیت مشترک برای خودشان قائل شوند نه زبان مشترک و نه فرهنگ و آداب و سوم و نه تاریخ مشترک است. که کم نیستند ملتهایی که نه مذهب و قومیت غالب یکسانی دارند و نه تاریخ مشابهی ولی در ادبیات ملی گرایانه، یک ملت محسوب میشوند و دم دست ترین نمونه هایش همین لبنان و عراق و افغانستان خودمان است و حتی خود ایران هم چندان از این قاعده جدا نیست.

ولی آن مولفه که این گروههای انسانی را کنار هم جمع میکند چیزی نیست جز خواست حکومتها.حکومتهایی که اگر میخواهند در فضای جدید باقی بمانند باید مردم را متقاعد کنند که ادامه ی حیاتشان امری ضروری و مهم است.باید به مردم بقبولانند که هویتی جمعی آنها را به هم پیوند داده.هویتی که لزوما افتخار آمیز هم نیست تا کسی از آن افراد نکند یا سعی در تغییرش نداشته باشد.یک جور حس برتری چوبی هم باید بهشان بدهد تا برای اثبات آن برتری همیشگی پیشتری داشته باشند و درسشان را بهتر بخوانند و کارشان را بهتر انجام دهند و مشتاق را سربلند کنند.و چه بهتر که آن تمداد برتری و افتخار چیزی غبار گرفته ترین صفحه های تاریخ.جایی که مرز واقعیت و افسانه را کسی پیدا نمیکند. و همینطوری از کتابهای درسی کودکان تا سردر سینماها و از ماجاه های رانندد تاکسیها توی ترافیک تا پیامهای کثیر الکپی نسم افزار های اجتماعی پر میشود از جملات قصار و حکمتهای نغز و حکایتهای شگفت استخوان پوسیده های هزاره های پیش.از شاه آرتور و ریچارد شیردل انگلیسی ها تا کوروش و داریوش ایرانیها و جومونگ و دوستان کره ایها.

ساختار دولتهای مدرن غربی بر مبنای همین ایده ی دولت ملی که در آن احوال و اوضاع اروپای عصر روشنگری بهترین ساختار حکومت.بهترین جایگزین رو آورده به همان ایده های برتری نژادی بدوی و غیر انسانی و امروزی شکل گرفت. و این البته یی ربط به رسوخ عقاید داروین و تئوری تکامل زیستی اش به حیطه ی علوم انسانی و اجتماعی!داروینیسم اجتماعی! نبود که در مواردِ افراطی به تژادگرایی افراطی فاشیسم و نازیسم رسید و در نمونه های ملایم تر جمهوری های ملی را تشکیل داد.مجموعه ای که البته این روزها وسط هجوم ارتباطات و تحت حکومت سرمایه داری در جهان قلمرو لیبرال پیوسته به روز به اینترناسیونالیسم و جهانی شدن نزدیکتر میشود.

و حالا این وسط تکلیف ما چیست؟ای ایرانی قرن بیست و یک میلادی و مای مسلمان قرن پانزده هجری قمری.ملی گرایی که همان ایده ی دولت ملی که در آن احوال و اوضاع اروپای عصر روشنگری بهترین ساختار حکومت.بهترین جایگزین رو آورده به همان ایده های برتری نژادی بدوی و غیر انسانی و امروزی شکل گرفت. و این البته یی ربط به رسوخ عقاید داروین و تئوری تکامل زیستی اش به حیطه ی علوم انسانی و اجتماعی!داروینیسم اجتماعی! نبود که در مواردِ افراطی به تژادگرایی افراطی فاشیسم و نازیسم رسید و در نمونه های ملایم تر جمهوری های ملی را تشکیل داد.مجموعه ای که البته این روزها وسط هجوم ارتباطات و تحت حکومت سرمایه داری در جهان قلمرو لیبرال پیوسته به روز به اینترناسیونالیسم و جهانی شدن نزدیکتر میشود.

و حالا این وسط تکلیف ما چیست؟ای ایرانی قرن بیست و یک میلادی و مای مسلمان قرن پانزده هجری قمری.مای ایرانی مسلمان زیسته در فضای انقلاب اسلامی ایران.مایی که نه مثل مصری ها بعد از اسلام آوردن تاریخ گذشته مان را پاک کرده ایم و از بیخ عرب شده ایم و نه مثل ترکها پشیمان از هویت پانزده قرن اخیر به پای اتحادیه ی اروپا افتاده ایم برای اروپایی شدن.مایی که اگر سرزمین نشین غربی و شرقی مان هم را ببینند،به دو زبان مختلف به هم سلام میکنند و همان دو مرز نشین اگر اشکان دژاگه یک ضربه ی سر بزند سر ساده ترین مسائل به سبک قهرمانان اساطیری ایلیاد و اودیسه کمان بر دوش و گرز بر پشت و تیغ در مشت مدام از جان هم میکشند و آخر سر وقتی خونین و مالین و کبج و کوله می افتند کنج خانه، همه چیز با جمع شدن چهارتا پیر مرد و ریش سفیدی کردن(که ما میستانی ها مردمداری میگوییم مکیئیم) حل میشود و همه ی آن خشونت رستم و اسفندیاری میشود محبت شیرین و فرهادی.

ایین جریان؛ قومیت گرای سنتی هم روی دیگر همان سکه ی ملی گرایست.ذات هر دوتایشان اصالت دادن و بیش از حد مهم کردن اجتماعات قراردادی و پیوند های خونی انتهاییست.اینکه مبنای عمل اجتماعی و سیاسی و فردی ات را صرفا حول یک مفهوم قراردادی ساخته ی دست حکومتها قرار دهی و مثلا اگر ایرانی هستی برای کمک به بچه ده ساله ی فلسطینی که به آمبولانس پر از اجساد خانواده اش تکیه داده هیچ درنگی نبینی.هیچ فرقی با اینکه رفتار و هویت را فقط از اول و تبار و از یک طرف شدیدا ضد دینی و از طرف دیگر اجیاگر هویت ملی و یاد آور غیور باستانی ایرانیان بود.تاریخ نویسانشان استخوانهای کوروش و داریوش را از خاک باد میدمد ولتی فکر میکنند اگر حکومت فلان کشور اروپایی از این یاد کردن غرور ملی سود میبرد لابد درجهان علمی اسلامی هم مستثنی نیست. و نمیدانند ناسیونالیسم افراطی چه تیشه ای میزند به ریشه ی حکومتی که از همان ابتدا مبنا و رسالتش را بر برداشتن این مرزهای غیر واقعی گذاشته؛ و در همه ی این دوره ها خیل عظیم نویسندگان و فیلمسازان و خوانندگان و تولیدکنندگان محتوای مجازی و اینترنتی و رسانه های کاربر محور که خیلی جلوتر و موثر تر از اصحاب حکومت آش این وطن پرستی از حد گذشته را تا آنجا شور کردند که گاهما کم از نژادپرستی برده داران ینگه دنیا نداشت.

از اینها که بگذریم میرسیم به آن سر سنتی ماجرا که بیشتر از آنکه ملی گرا و وطن پرست باشد،قومیت گرا و سنت پرست است.جریانی که اثباتش هزاران ساله ی تفکراتش تا همین امروز هم بخش زیادی از جامعه ی ایرانی را تحت نفوذ دارد.هنوز هم خیلی جاهای ایران(از جمله همین استان خودمان!) اولین سوالی که دو تا آدم ناشناس از هم میکنند مربوط میشود به رگ و ریشه و تیر و طایفه و جد و بدر جدشان. هنوز هم خیلی جاهای کشور(از جمله همین استان خودمان!) اگر غریبه و مسافر و مهاجر باشی کار اداری ات میرود توی توپ آخر و پست سازمانی ات مرز دود نه صف نیروهای بومی و همشهری. هنوز هم خیلی جا